



بعثت

بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا برانگیخته شدن آن حضرت به مقام رسالت، مهم‌ترین فراز از تاریخ اسلام است که به عنوان حادثه‌ای بس بزرگ و عظیم نقش مهم و تأثیرگذاری در سرنوشت انسان‌ها داشته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای بعثت
- ۲ - اهمیت بعثت
- ۳ - مهم‌ترین منشأ تحولات
- ۴ - نوید بعثت پیامبر
- ۵ - حالات روحی پیامبر قبل از بعثت
- ۶ - مقدمات بعثت پیامبر
- ۷ - فلسفه و هدف بعثت
- ۸ - دین پیامبر پیش از بعثت
- ۹ - گفتار امام علی
- ۱۰ - شریعت پیامبر قبل از بعثت
- ۱۱ - مراحل بعثت
- ۱۱.۱ - دیدن رؤیاهای صادقانه
- ۱۱.۲ - شنیدن ندای غیبی
- ۱۱.۳ - رویت جبرائیل
- ۱۲ - مکان بعثت
- ۱۲.۱ - موقعیت جغرافیایی غار
- ۱۲.۲ - مدت زمان وقوف در غار
- ۱۲.۳ - نزول امین وحی
- ۱۲.۴ - همراهی امام علی
- ۱۲.۵ - حوادث مقارن با اولین وحی
- ۱۲.۶ - سنگینی رسالت
- ۱۲.۷ - حالات پیامبر پس از نزول وحی
- ۱۳ - آغاز رسالت
- ۱۴ - احکام مشرکان گرویده به اهل کتاب
- ۱۴.۱ - گرایش اهل کتاب بعد از بعثت
- ۱۵ - حکم یهودی پس از بعثت مسیح
- ۱۶ - پانویس
- ۱۷ - منابع

معنای بعثت

«بعثت» از ماده (بعث) به معنای برانگیختن و فرستادن است.^{[۱][۲]} و در شرع، فرستادن خداوند است. انسانی را به سوی جن و انس یا بعضی از آنها تا آنان را به راه حق، دعوت کند و شرط آن دعوی پیغمبری و اظهار معجزه باشد.^{[۳][۴]} از آن به مناسبت در باب نکاح سخن رفته است. به طوری که در آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیه‌السلام) بیان گردیده است، خداوند متعال در زمان‌های مناسب پیامبرانی را برای هدایت مردم برانگیخته و هیچ قومی را بدون راهنمای الهی وانگذاشته است.

اهمیت بعثت

بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حادثه‌ای بس بزرگ در سرنوشت، هدایت بشری بوده و عظمت این امر عاملی بود که خداوند متعال به عنوان مقدمه این امر بزرگ، تربیت و پرورش آن حضرت را به عهده داشته و ایشان را برای آینده دشواری که در پیش رو داشتند، آماده سازد.

مهم‌ترین منشأ تحولات

بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) منشأ بزرگ‌ترین تحولات فکری عقیدتی جوامع بشری به شمار می‌رود؛ با این حال، سیره‌نویسان از آن غفلت کرده‌اند. روایات معقول و بی‌اساس آنان در این باره، نه تنها دون شان آخرین پیامبر خداست؛ بلکه حتی با ادراکات بشری نیز سازگاری ندارد؛^[۵] اما چون بررسی آن در مقاله‌ای کوتاه نمی‌گنجد، تنها به ارائه رخداد بعثت با توجه به روایات و احادیث معتبر از دیدگاه شیعه اکتفا می‌شود.

برخی از خصوصیات و نشانه‌های ظهور آن حضرت در کتب و اخبار ادیان پیشین مطرح بوده و بسیاری از اهل کتاب و اعراب مشرک نیز با آن آشنائی قبلی داشتند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^[۶] کسانی که به ایشان کتاب (آسمانی) داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او (مجدد) را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند، و خودشان هم می‌دانند.»

بعثت، انقلابی بزرگ بر ضد جهل، گمراهی، فساد و تباهی است و سزاوار منت‌گذاری خداوند و در بردارنده حکمت و تربیت است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^[۷] به یقین، خدا بر مؤمنان ممت نهاد (که) پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان تلاوت کند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

حضرت علی (علیه‌السلام) دربارهٔ فلسفه بعثت پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «خداوند سبحان، برای وفای به وعدهٔ خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را مبعوث کرد؛ و از همهٔ پیامبران پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود، نشانه‌های او شهرت داشت؛ و تولدش بر همه مبارک بود. در روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روش‌های متفاوت بودند؛ عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه کرده و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند و برخی به غیر خدا اشاره می‌کردند. پس خدای سبحان، مردم را به وسیله پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از گمراهی نجات داد و هدایت کرد و از جهالت‌رهای بختشید. سپس دیدار خود را برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برگزید و آنچه نزد خود داشت برای او پسندید و او را با کوچ‌دادن از دنیا گرامی داشت.»^[۸]

حالات روحی پیامبر قبل از بعثت

در پی همین تربیت الهی بود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سال‌های قبل از بعثت نیز حالات فوق‌العاده معنوی و مشاهدات روحانی داشته و در نتیجه ایشان تمام این دوران را با پاکی و طهارت و معنویت سپری کرده‌اند. حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: خداوند بزرگترین فرشته خود را از خردسالی پیامبر، همدم و همراه ایشان ساخت، این فرشته در تمام لحظات شبانه روز با آن حضرت همراه بود و او را به راه‌های بزرگواری و اخلاق پسندیده و شایسته رهبری می‌کرد.

مقدمات بعثت پیامبر

پیامبر به دلیل همین حالات معنوی و طهارت روحی، ناگزیر از وضع نابسامان مردم و از جهل و فساد که بر جامعه آن روز و به ویژه در شهر مکه، حاکم بود، رنج می‌بردند.

همچنین به منظور تفکر و عبادت در مکانی خلوت، مدتی محدود در سال را از آنها کناره می‌گرفتند و به کوه حرا می‌رفتند. این کناره‌گیری برای حنفا و برخی یکتاپرستان قبل از پیامبر نیز وجود داشته است. می‌گویند **عبدالمطلب**، جد بزرگوار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پایه‌گذار این رسم بوده است. او به هنگام ماه رمضان برای خلوت و عبادت به کوه می‌رفت و مستمندانی را که از آنجا می‌گذشتند، **اطعام** می‌نمود. در واقع می‌توان گفت که این خلوت‌گزینی، زمینه‌ای برای تقویت هرچه بیشتر **حیات** روحانی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مقدمه‌ای برای بعثت و نزول وحی به آن حضرت بوده است. در دوران این خلوت‌گزینی‌ها نیز چون سایر مراحل مختلف زندگی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضرت علی (علیه‌السلام) که پرورش یافته در خانه پیامبر و دامان ایشان است، آن حضرت را همراهی می‌کرد و گاهی اوقات برای ایشان آذوقه می‌برد.

فلسفه و هدف بعثت

بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و معجزه جاویدش قرآن برای شناساندن حقایقی به بشر بود که پیامبران پیشین به تناسب رشد فکری جوامع بشری، بخشی از آن را بازگو کردند؛ حقایقی که بشر درباره آن جهل نسبی و یا مطلق داشته است. حقایقی همچون: منشا **هستی** و علت آن، سرانجام **حیات دنیوی** بشر و سرنوشت او پس از مرگ است.

دین پیامبر پیش از بعثت

درباره **دین** خاتم انبیا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قبل از بعثت، اقوال گوناگونی وجود دارد که پرداختن به آنها نیازمند پژوهشی مستقل است و از آن میان به طرح صحیح‌ترین اقوال مورد اتفاق **علمای شیعه** و **علمای سنی** اکتفا خواهد شد. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سرپرستان بزرگوار آن حضرت (عبدالمطلب و ابوطالب)، از بازماندگان دین یکتاپرستی و **شریعت ابراهیم** بوده‌اند.^[۹]^[۱۰] که در قرآن «حنفا» خوانده می‌شوند.^[۱۱] و انزواى آنان را برای خلوت و **مناجات** با خدا «تحنف» تا «تحنت» نامیده‌اند؛ اما این، بدان معنا نیست که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیش از بعثت از شریعت انبیای پیشین پیروی «برخی بر این عقیده‌اند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قبل از بعثت، تابع یکی از ادیان الهی بوده است. برخی از علمای اهل سنت، مانند: **عزالی**، **قاضی عبدالجبار**، **سيف الدين آمدی**، **تاج الدين عبدالوهاب سبکی** و برخی از علمای شیعه، مانند: **سید مرتضی** بر این عقیده‌اند.» می‌کرده است؛ بلکه بدان معناست که در **اصول اعتقادی**، همچون: **توحید**، **معاد**، **مکارم اخلاقی** و **صبر** بر آزار معاندان و **مشرکان**، همانند **انبیای الهی**، استوار و ثابت‌قدم بوده است.

گفتار امام علی

بنابر گفتار علی (علیه‌السلام) که آگاه‌ترین شخص به احوال رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است از همان زمان که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از شیر گرفته شد، خداوند، بزرگ‌ترین فرشته‌اش را با وی قرین ساخت تا همواره او را به زیباترین **خلق و خوی** هدایت کند؛^[۱۲] چنان‌که خود حضرت می‌فرماید: «کنت نبياً و آدم بین الروح والجسد»^[۱۳] من **نبی** بودم در حالی که هنوز **روح** به کالبد **آدم** دمیده نشده بود.»

شریعت پیامبر قبل از بعثت

بنابراین نظر صحیح مورد توافق علمای شیعه و سنی این است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تابع هیچ یک از ادیان و **شرایع** قبل از اسلام نبود؛ بلکه به شریعت خود عمل می‌کرد و هدایت خاص خداوند، وحی و **الهام** به او می‌رسید.

مراحل بعثت

پیامبر برای رسیدن به مقام بعثت زمینه‌هایی را خدای متعال برای ایشان مهیا کرد از جمله خواب‌های صادق و شنیدن صدای غیبی و در نهایت جناب **جبرائیل** را دیدن بود.

← دیدن رؤیاهای صادق

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آستانه بعثت، خواب‌هایی می‌دید که به همان صورت در خارج به وقوع می‌پیوست، [۱۴] و گاه فرشته‌ای او را «رسول الله» خطاب می‌کرد. [۱۵]

← شنیدن ندای غیبی

آن حضرت از سنی و هفت سالگی، حالاتی روحانی داشت و احساس می‌کرد درچه‌ای از غیب به رویش باز شده است؛ زیرا نور مخصوصی می‌دید و اسرار را بر ایشان فاش می‌شد. بارها سروش غیبی را می‌شنید؛ ولی او را نمی‌دید، [۱۶][۱۷][۱۸] و چه بسیار که او را از درخت و کوه، ندا می‌کرد. [۱۹]

← رویت جبرائیل

آن حضرت در آستانه بعثت، جبرئیل را می‌دید، در حالی که او را رسول‌الله خطاب می‌کرد. [۲۰] هرچه زمان بعثت نزدیک‌تر می‌شد، مدت تحنث در غار حراء و میل به تفکر و عبادت در او فزونی می‌یافت.

مکان بعثت

«غار حراء» واقع در قله «کوه نور»، از معروف‌ترین کوه‌های مکه و با ارتفاع ۲۰۰ متر در دو فرسنگی شهر مکه و در شمال شرقی [۲۱] آن واقع شده است. این محل از زمان‌های دور، مکانی مقدس [۲۲][۲۳] و محل اعتکاف انسان‌های حقیقت‌جو و روشن‌ضمیری بوده است که به «حنفا» شهرت داشتند. [۲۴]

← موقعیت جغرافیایی غار

سطح غار، هموار و برای نشستن و برخاستن فردی بلند قامت، مناسب بوده است؛ اما بالا رفتن از آن به دلیل ناهمواری‌های شیب‌دار، دشوار است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در غار که دهانه‌اش به سوی کعبه و محله بطحا باز می‌شد، می‌نشست و ساعت‌ها در اندیشه رهاییدن قومش از بیهودگی‌هایی بود که در آن غوطه‌ور بودند. منابع، درباره زندگی و ویژگی‌های شخصیتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیش از بعثت، چندان سخن نگفته‌اند؛ اما از تحنث او در غار حراء می‌توان تصور کرد که همواره در اندیشه راه چاره‌ای برای نجات قومش از تباهی‌ها بود.

← مدت زمان وقوف در غار

معمولاً تحنث، سالی یک بار به مدت یک ماه در غار حراء بوده است. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این مدت به مستمندی که نزد او می‌رفتند، طعام می‌خورانید. [۲۵] پس از آن، هفت بار، کعبه را طواف می‌کرد و به منزل باز می‌گشت. در سال‌های نزدیک بعثت که رشد قوای عقلی و روحی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اوج رسیده بود، میل و اشتیاق او به کناره‌گیری از مردم [۲۶] و تفکر و عبادت، آنچنان بود که روزها و شب‌ها را در غار حراء به سر می‌برد؛ به‌ویژه در ماه رمضان، مدت تحنث طولانی‌تر بود. در این مدت، علی (علیه‌السلام)، همسرش خدیجه و یا فرد دیگری از اهل خانه برای او آب و غذا می‌برد. [۲۷] این حالات همچنان ادامه یافت تا اینکه سن آن حضرت به چهل سالگی رسید و خداوند که دل ایشان را برترین و مطیع‌ترین و خاضع و خاشع‌ترین دل‌ها در برابر خویش یافت، ایشان را مبعوث کرد و به پیامبری گرامی داشت، تا به وسیله قرآنی که آن را روشن و استوار گردانیده، بندگان را از پرستش بر بتان خارج ساخته و به پرستش خویش هدایت کند.

← نزول امین وحی

پس از سپری شدن ایام عبادت، پیامبر به مکه برگشته و پیش از اینکه به خانه خویش بازگردند، خانه خدا را طواف می‌نمودند. این حالات همچنان ادامه یافت تا اینکه سن آن حضرت به چهل سالگی رسید و خداوند که دل ایشان را برترین و مطیع‌ترین و خاضع و خاشع‌ترین دل‌ها در برابر خویش یافت، ایشان را مبعوث کرد و به پیامبری گرامی داشت، تا به وسیله قرآنی که آن را روشن و استوار گردانیده، بندگان را از پرستش بر بتان خارج ساخته و به پرستش خویش هدایت کند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ساعت‌ها در آسمان، کوه‌ها و بیابان‌های مکه که بی‌کرانگی خالق را به هزاران زبان نجا می‌کردند به تفکر و مطالعه می‌پرداخت و از خدایان سنگی و چوبی قومش به ستوه آمده، در جستجوی چاره آن، آسمان بی‌انتهای او را می‌کاود. جبرئیل امین در یکی از این تحنث‌ها هنگام چهل سالگی [۲۸] بر او ظاهر شد و نخستین آیه‌های سوره علق [۲۹] را به وی القا کرد. سپس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از غار به سوی منزل سرازیر شد و همسرش را از این ماجرا آگاه کرد. خدیجه که سال‌ها بود، آثار بزرگی را در کردار و گفتار وی دریافته بود، [۳۰][۳۱] نخستین «علاوه بر منابع تاریخی علی (علیه‌السلام) در نوح البلاغه (خطبه ۱۹۲) می‌فرماید: «در حالی که در هیچ خانه‌ای مسلمانی نبود، من سومین آنها بودم.» [۳۲] تصدیق‌کننده و ایمان‌آورنده به رسالتش شد. [۳۳]

← همراهی امام علی

حضرت علی (علیه‌السلام) در مواقع مختلف از جمله در دوران خلوت‌گزینی‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همراه حضرت بود، این سخن امام علی (علیه‌السلام) در نوح البلاغه نیز به طور خاصی بیان می‌دارد که ایشان در لحظه نزول اولین وحی، در کنار پیامبر حضور داشته‌اند. البته مطالعات تاریخی بیانگر آن است که تنها شخصی که در آن لحظات پیامبر را همراهی نموده، امام علی (علیه‌السلام) بود و احدی جز ایشان، ادعای همراهی رسول اکرم در آن لحظات را ننموده است. جبرئیل پس از انجام وظیفه خود و ابلاغ آیات الهی، بار دیگر به آسمان بازگشت.

← حوادث مقارن با اولین وحی

همراه اولین نزول وحی و در لحظه بعثت، حوادثی بزرگ اتفاق افتاد که از آن جمله می‌توان به شنیده شدن صدای ناله‌ای اشاره کرد. حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌گوید: صدای ناله شیطان را در هنگام نزول اولین وحی به آن حضرت شنیدم. عرضه داشتیم: یا رسول‌الله این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از اطاعت شدن مایوس و ناامید شده و چنین به ناله درآمده است. سپس رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اضافه فرمود: تو می‌شنوی آنچه را من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را که من می‌بینم الا اینکه تو مقام نبوت نداری و فقط وزیر و کمک‌کار من هستی و از راه خیر جدا نمی‌شوی.

← سنگینی رسالت

درک همه حقیقت هستی، سنگینی بار امانت رسالت و بیم تکذیب قومی غوطه‌ور در خرافات و اوهام، او را در تبی گذارنده فرو برد؛ «تاریخ عامه، بیم و هراس

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را هنگام دیدن جبرئیل، از این رو دانسته‌اند که حضرت در رسالت خود دچار تردید بوده است که متأسفانه این تفاسیر بی‌منطق به منابع شیعی نیز راه یافته است.^[۳۴] چنان‌که خود را در جامه‌ای پیچید تا لحظاتی بیاساید و قوای خود را باز یابد. روز دیگر باز هم جبرئیل فرود آمد و به او یادآوری کرد که برای **انذار** فومش باید از آسایش دوری گزیند.^[۳۵] آیات الهی در عمق روح و جانش آن چنان انقلابی بر پا کرده بود که حقیقت محض را بی‌هیچ شبهه‌ایی با چشم دل می‌دید. «ماکذب الفواد ما رای»،^{[۳۶][۳۷]}

← حالات پیامبر پس از نزول وحی

قبل از بعثت، به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الهاماتی می‌شد و ایشان حالات فوق‌العاده‌ای داشتند. اما کیفیت نزول اولین وحی بر پیامبر و موضوع آن، به طور کلی با الهامات قبل از بعثت ایشان متفاوت بود. این امر سبب شد تا حالات روحی پیامبر و در نتیجه حالات جسمانی ایشان تغییر نماید. پس از این پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از کوه پابین آمدند و به سمت مکه و خانه خویش عازم شدند. هنگامی که به خانه رسیدند ماجرای بعثت خویش را برای همسر گرامیشان حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) بازگو کردند. حضرت خدیجه نیز که در سال‌های همسری با پیامبر آثار بزرگی و پیامبری در ایشان را دیده بود، گفت: "به خدا دیر زمانی است که من در انتظار چنین روزی به سر برده‌ام و امیدوار بودم که روزی تو **رهبر خلق** و **پیغمبر** این مردم شوی."

آغاز رسالت

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با آغاز رسالت، نزدیک‌ترین خویشاوندش، علی (علیه‌السلام) را به پذیرش حق خواند و او که جسم و جانش در کنار رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رشد یافته بود و هیچ تعلق و سابقه‌ای در افکار و اعتقادات جاهلی نداشت با فطرتی پاک به **وحدانیت خداوند ایمان** آورد.^{[۳۸][۳۹][۴۰]} براساس روایات منقول از **معصومان (علیهم‌السلام)** علمای امامیه بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در **۲۷ رجب** پنج سال پس از تجدید بنای **کعبه**، اتفاق افتاد و پیامبر اکرم در این هنگام چهل سال داشتند.^{[۴۱][۴۲]} و بنا به قولی دیگر که با تصریح قرآن^{[۴۳][۴۴]} «بر نزول قرآن در ماه رمضان دلالت دارد.» نیز هماهنگ است، ۱۷ رمضان می‌دانند.^[۴۵] دانشمندان اهل سنت برای اثبات بعثت در ماه مبارک رمضان به آیات **سوره بقره**، **دخان** و **قدر** استناد نموده‌اند، آنان می‌گویند در قرآن، نامی از رجب و بعثت در آن وجود ندارد. آنچه قرآن بر آن دلالت دارد نزول آن در ماه رمضان و **شب قدر** می‌باشد و چون بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با نزول قرآن همراه بوده، بنا بر این بعثت نیز در ماه رمضان به وقوع پیوسته است. و برخی نیز^{[۴۶][۴۷]} ۱۷، ۱۸ و ۲۴ رمضان و برخی ۱۲ ربیع الاول^[۴۸] را زمان بعثت دانسته‌اند. اقوال و تفاسیر موجود درباره تاریخ بعثت و نزول اولین آیات بسیار متفاوت است؛ بنابراین با تکیه بر محتوای آیات قرآن که شرایط زمانی نزول آیات را در خود دارد، می‌توان چنین استنباط کرد که بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ۲۷ رجب رخ داد و سپس با نزول نخستین آیات سوره علق در ماه رمضان، هنگام تحت در غار حراء به رسالت برگزیده شد و اندکی پس از آن، نزول دفعی قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الفا شد و نیز کمی پس از آن آیات^[۴۹] **سوره مزمل** پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به **شب زنده‌داری**، **تنبییر** و انذار خلق فرا خواند. صاحب **کتاب التمهید** چنین می‌گوید:

براساس روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بعثت در ماه رجب واقع شده است، اما قرآن به عنوان کتاب آسمانی، سه سال بعد از آن بر پیامبر نازل شده است و در این سه سال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) **دعوت مخفیانه** داشتند. پس از آن **دعوت علنی** حضرت آغاز شد. که مقارن با آن نزول پیوسته قرآن هم آغاز گردید.^[۵۰]

احکام مشرکان گرویده به اهل کتاب

مشرکانی که قبل از بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به اهل کتاب پیوسته‌اند، مشمول **احکام** آنان هستند. بر خلاف مشرکانی که بعد از بعثت به آیین آنان گرویده‌اند.^{[۵۱][۵۲]}

← گرایش اهل کتاب بعد از بعثت

اگر فردی از اهل کتاب بعد از بعثت به **آیین آسمانی** دیگری بجز اسلام بگردد مانند آنکه **مسیحی یهودی** شود، آیا از او پذیرفته می‌شود یا آنکه جز پذیرش اسلام راهی دیگر حتی بازگشت به آیین پیشین خود ندارد؟ مسئله محل اختلاف است.^[۵۳]

حکم یهودی پس از بعثت مسیح

آیا احکام اهل کتاب بر گرویدگان به **آیین یهود** پس از بعثت **حضرت عیسی (علیه‌السلام)** جاری می‌شود یا نه؟ برخی، جریان آن را مورد اشکال قرار داده‌اند.^[۵۴] بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا برانگیخته شدن آن حضرت به مقام رسالت، مهم‌ترین فراز از تاریخ اسلام است که به عنوان حادثه‌ای بس بزرگ و عظیم نقش مهم و تأثیرگذاری در سرنوشت انسان‌ها داشته است.

پانویس

- ↑ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۱، ص ۲۷۲.
- ↑ ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۶۶.
- ↑ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، ص ۴۲۲۷.
- ↑ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، ص ۴۲۲۸.
- ↑ زینی دحلان، احمد، حاشیه الحلی الشافعی، ج ۱، ص ۳۲-۴۲.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۴۶.
- ↑ ال عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۴.
- ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج‌البلاغه، ترجمه مجد دشتی، خطبه اول، ص ۳۹.
- ↑ زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۱۹۴.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰۳.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۲۵.
- ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۱، ص ۸۹.
- ↑ مجلسی، مجدناقر، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۸.
- ↑ ارزقی، مجد بن عبدالله، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۴.
- ↑ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۷.
- ↑ ابن کنیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۷۱۲.
- ↑ حلی شافعی، نورالدین، انسان العیون فی سیرة الامین المامون، ج ۱، ص ۲۸۰.
- ↑ حلی شافعی، نورالدین، انسان العیون فی سیرة الامین المامون، ج ۱، ص ۲۸۱.
- ↑ جامی، عبدالرحمان، شواهد النبوه، ص ۱۳۹.
- ↑ ابن شهرآشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۱.

۲۱. ↑ ارزقی، مجد بن عبدالله، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۸۸.
۲۲. ↑ ارزقی، مجد بن عبدالله، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۸۰.
۲۳. ↑ ارزقی، مجد بن عبدالله، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۸۱.
۲۴. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۱۶.
۲۵. ↑ حمیری، هشام بن عبدالملک، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۳۶.
۲۶. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۷۱۲.
۲۷. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ترجمه شهیدی، ص ۲۳۲.
۲۸. ↑ حمیری، هشام بن عبدالملک، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۳۲.
۲۹. ↑ علق/سوره ۹۶، آیه ۵.
۳۰. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۴.
۳۱. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابیر طالب، ج ۱، ص ۴۳.
۳۲. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ج ۱، ص ۲۷۲.
۳۳. ↑ زینی دحلان، سید احمد، حاشیه الحلبي الشافعی، ج ۱، ص ۳۴۹.
۳۴. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۶۷.
۳۵. ↑ مزمل/سوره ۷۲، آیه ۵.
۳۶. ↑ نجم/سوره ۵۲، آیه ۱۱.
۳۷. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۷.
۳۸. ↑ حمیری، هشام بن عبدالملک، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۹۴.
۳۹. ↑ بغدادی، مجد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۱.
۴۰. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السیرة النبویه، ص ۶۷.
۴۱. ↑ سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۳۲.
۴۲. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۰.
۴۳. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵.
۴۴. ↑ قدر/سوره ۹۷، آیه ۱.
۴۵. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۰.
۴۶. ↑ میری، هشام بن عبدالملک، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰.
۴۷. ↑ ابن منیع، مجد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۲.
۴۸. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۱۱.
۴۹. ↑ مزمل/سوره ۷۲، آیه ۵-۱.
۵۰. ↑ معرفت، مجدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ص ۸۱-۸۲.
۵۱. ↑ حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام ج ۱، ص ۵۰۸-۵۰۹.
۵۲. ↑ نجفی جواهری، مجد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۶.
۵۳. ↑ نجفی جواهری، مجد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۶-۴۷.
۵۴. ↑ حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۲۸.

منابع

- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۲، ص ۱۱۶.
- سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «بعثت»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۱۰/۲۰.
- سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «بعثت حضرت مجد»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۰۷/۲۵.